

متن پرسش

سلام علیکم: حضرت امام در بیت «فارغ از خود شدم و کوس انا الحق بزدم / همچو منصور خریدار سر دار شدم» اشاره به حالت فراغ و خریدار شدن دار دارند و نه تایید مدعای منصور، اگرچه شعر شعر است نه وحی و نه کلام صاحبان علم اولین و آخرین معصومین علیهم السلام، امام نیز کارشناسی ست که هم تغییر نظر داشته و هم معصوم نبوده و هم برای اشعارش لایمسه الا المطهرون سر نداده. چنانچه در ابیات زیر بطلان این ادعای صوفیانه ی پر از تزویر را صراحتا بیان می‌دارند: ایشان در شعری خطاب به حلاج می‌فرمایند: گرتو آدم زاده هستی علم الاسماء چه شد / قاب قوسینت کجا رفته است او آذنی چه شد؟ / بر فراز دار، فریاد انا الحق می‌زنی / مدعی حق طلب اینت و انا چه شد؟ مرشد از دعوت به سوی خویشتن بر دار دست / لا الهت را شنیدستم ولی الا چه شد؟ (دیوان امام خمینی(ره)/ص ۹۴) ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: از صوفی ها صفا ندیدم هرگز / زین طایفه من وفا ندیدم هرگز / زین مدعیان که فاش انا الحق گویند / با خودبینی فنا ندیدم هرگز (دیوان امام خمینی(ره)/ص ۲۱۷) تا کوس انا الحق بزنی خودخواهی / در سر هویتت تو نا آگاهی / بردار حجاب خویشتن از سر راه / با بودن آن هنوز اندر راهی (دیوان امام خمینی(ره)/ص ۲۴۸) گر نیست شوی کوس انا الحق زنی / با دعوی پوچ خود معلق زنی / تا خودبینی تو، مشرکی بیش نبی / بی خود بشوی که لاف مطلق زنی (دیوان امام خمینی(ره)/ص ۲۴۶) و در بیتی دیگر سروده: فریاد انا الحق ره منصور بود / یارب مددی که فکر راهی بکنیم (دیوان امام خمینی(ره)/ص ۲۲۶)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نامه حضرت امام که در اواخر عمر به گورباچف نوشتند و بر صدرا و ابن عربی تأکید نمودند؛ می‌توانید بیندیشید از آن جهت که اندیشه و شهود آن دو بزرگوار می‌تواند جواب سؤالات بشر امروز باشد که آقای گورباچف نماد آن بوده‌اند.